

این کتاب عنوان جلد (I) را نسبت داد؛ زیرا او وعده داده بود که دومین سری سخنرانیها در آبردین را که با عنوان "اخلاق در عصر تکنولوژی" خواهد بود، ارائه دهد و جلد دوم (II) بر اساس این رشته سخنرانیها خواهد بود.

محتوای کلی کتاب

در اصل این کتاب یک بررسی تاریخی نیست، بلکه یک تحقیق فلسفی و کلامی در روابط بین علم و دین است. به طور مشخص، خطابه‌های باربور عبارتند از: جایگاه دین در عصر علم کجاست؟ انسان امروزی چه طور می‌تواند به خدا اعتقاد داشته باشد؟ چه نظر و دیدی از خدا با فهم علمی از جهان نامتناقض است؟ الزاما از چه راههایی ایده‌هایمان درباره طبیعت انسان تحت تاثیر یافته‌های علم معاصر قرار می‌گیرد؟ چه طور می‌توان در جستجوی معنا و غایت در حیاتی بود که عینا واقع شده در جهانی که توسط علم کشف شده؟ اما برنامه جامعه‌ترش همانی است که او در کتاب *اسطوره‌ها، مدلها و سرمشقها* ارائه داد. مبارزه‌اش با نظراتی که به عنوان قالبهای فکری بی‌خاصیت و اشتباه، دانش علمی را تنها نمونه دانش درست و قابل اطمینان می‌دانند و در مقابل، دانش دینی را ذهنی، محدود، احساساتی و به طور واضح و آشکار به هیچ وجه آن را مستحق کلمه ستایش گونه "دانش" نمی‌داند.

مقدمه بررسی

باربور از نظر تاریخی - منطقی چهار نسبت را که بین علم و دین وجود دارد مطرح می‌کند: تضاد، استقلال، همسخنی و همبستگی. وضعیت تضاد این است که تضادهای حل‌نشده‌ای بین علم و دین وجود دارد. این وضعیت در طرف علم به واسطه کسانی که مدعی اند تمدن علمی تنها راه قابل اطمینان در حصول دانش واقعی و درست است بیان شده است (کارل ساگان، جاکیوس منود و ای. او ویلسون) و دین به حوزه افسانه و شعر تعلق دارد. در طرف دین، وضعیت تضاد توسط نص‌گرایان کتاب مقدس حمایت شده است. کسانی که معتقدند محتوای تحت‌اللفظی عبارات متون مقدس درباره جهان طبیعی و بسیاری از این گونه عبارات با ادعاهایی که علم مدرن درباره طبیعت ساخته همخوانی ندارند و ناسازگارند. باربور استدلال می‌آورد که این دو گروه در انتخاب بین علم و دین برهانهای نادرستی اقامه می‌کنند. وضعیت استقلال که خواستار اجتناب از تضادها است مدعی است که متعلقات علم و دین در حوزه‌های کاملاً متمایزی قرار داشته و متدهایشان نیز متفاوت است (توماس تورانس و جورج لیند بک). بنابراین، تضاد بین علم و دین اصولاً غیر ممکن است. وضعیت همسخنی معتقد است که غالباً مشابهتهای متدولوژیکی بین علم و دین و تقریباً ادعاهایی راجع به واقعیت وجود دارد (برای مثال: تئوریهای کلامی آفرینش و تئوریهای علمی کیهانشناسی). اینجا قسمتهایی است که هر دو با هم ممکن است تداخل کنند (ارنان مک مولین، کارل رانر و دیود تراسی). چهارمین وضعیت، وضعیت همبستگی است که معتقد است بین علم و دین حضور چند نوع عنصر پیوندی ممکن است (تئیل هارد دو چاردین بجان کوب و آرتور پیکوک).

نظرات باربور در این کتاب

باربور ترکیبی از دو وضعیت همبستگی و همسخنی را اقتباس می‌کند. او پیشنهاد می‌کند که علم و دین می‌توانند از همسخنی در حوزه متدولوژی بهره ببرند. او اشاره می‌کند که مشابهتهای متدولوژیکی بسیاری بین علم و دین وجود دارد. او برای مثال پیشنهاد می‌کند که در ارزیابی اعتقادات جامعه اهل دیانت می‌توان از همان معیاری که در ارزیابی تئوریهای پژوهش علمی استفاده می‌شود بهره برد؛ توافق با داده‌ها، ارتباط منطقی، میدان دید و سرانجام بازدهی؛ در مسیر معیار به کار برده شده در هر حوزه تفاوتی

وجود دارد، اما با این حال معیار اصلی برای اندازه‌گیری صدق ادعاها در هر دوی علم و دین وجود دارد. باربور همچنین بعضی از دیدگاه‌های وضعیت همبستگی را می‌پذیرد. برای مثال او عقیده دارد که الهیات یا کلام امر و زی باید اینگونه شروع کند که: طبیعت یک فرایند تکاملی پویا با خلقتی نو ظهور و تاریخچه‌ای طولانی که به وسیله تصادف و قانون توصیف شده است (۲۶:د) دیدگاه شخص باربور این است که علم و دین به واسطه پروسه‌های متافیزیکی می‌توانند یکپارچه شوند. این متافیزیک با ریشه‌های تاریخی‌اش از آلفرد نورث وایتهد و چارلز هارتشرون تاکید بر تغییر، تصادف، ظهور تکاملی (برعکس تحویل‌گرایان) و تصوراتی از خدا و عقیده دینی که خدا به وسیله مشارکت خلاق در جهان فعال است.

پژوهشهای باربور در این کتاب

باربور به طور قابل ملاحظه‌ای در جزئیات تئوریهای فیزیک، ستاره‌شناسی و زیست‌شناسی معاصر کاوش کرده با هدف اینکه هماهنگی‌شان را با سنت مقدس مسیحی - یهودی تعیین کند. نگاهی به اختصار در چند جنبه از سه نظامی که او تحقیق کرده خواهیم داشت.

پژوهشهای باربور در فیزیک

باربور در بررسی‌اش از فیزیک، مفهوم علم را که از تئوریهای کوانتوم و نسبیت به وجود آمده در مقابل علم کلاسیک نیوتنی در یک رقابت یک حذفی شرکت می‌دهد. علم نیوتنی تصویری جبرانکارانه و تحویل‌گرایانه (فروکاهشی یعنی رفتار کوچکترین قسمت رفتار کل را تعیین می‌کند) از جهان ارائه می‌دهد و یک معرفت‌شناسی که به طور خام واقع‌گراست (این چنین گفته: تئوریهای علمی، جهان را همانگونه که هست توصیف می‌کنند) تصویر جهانی که تئوریهای کوانتوم و نسبیت اشاره کرده‌اند، جهانی نامعین (غیرجبری) است، جهانی که در آن خصوصیات بالنده و نوآفرینی که غیرقابل کاهش‌اند در یک سطح وجود دارند و نمی‌توانند به سطح دیگری تحویل گردند و یک معرفت‌شناسی که باربور به آن اصطلاح ویژه رئالیسم انتقادی راداده است. در آخر هم وضعیت تئوریهای علمی و مدلها است که بازنمونه‌های نا کامل صورتهای محدود جهانند و بازنمون یک به یک "مسیر واقعیت حقیقتاً چیست" نمی‌باشد. باربور پیشنهاد می‌کند که تصویر جهانی که از فیزیک معاصر پدید آمده است بسیار بازتر از عقاید مشیتی مسیحی - یهودی در مورد خدا و انسانها به عنوان مختار و مسئول می‌باشد.

پژوهشهایی در ستاره‌شناسی

در بحث از ستاره‌شناسی معاصر من تنها به بحث از تئوری بیگ بنگ اشاره خواهم کرد. روبرت جاسترو اختر فیزیکدان در تئوری بیگ بنگ به عنوان تایید و حمایت به دیدگاه متون مقدس (راجع به منشأ جهان) متوسل شده است. باربور به متکلمین و دانشمندان در اخذ هر تئوری خاص علمی که مواضع متون مقدس را به عنوان تاییدیه به همراه خود دارد هشدار می‌دهد. انجام چنین کاری بازگشت به "خدای رخنه‌پوش است"، متوسل شدن به خدا است به عنوان علت ضروری در اقامه کردن دلیل برای پدیده‌ای که علم نمی‌تواند دلیلی موجه برای آن اقامه کند (رنخه‌ها). مشکل در همین توسلها و روی آوری هاست؛ چون علم در طول تاریخ رخنه‌ها را یکی پس از دیگری پر کرده است. راهبردی که باربور اصرار دارد آن است که در کتاب مقدس یک دیدگاه راجع به خلقت وجود ندارد. منقولات کتاب، پیدایش تئوریهای خلق از عدم نیست بلکه بیشتر آفرینش نظم از بی نظمی است، خلقت از عدم فقط با جامعه مسیحی اولیه پدیدار شد. باربور یک تئوری خلقت مداوم با ظهور تکاملی در حال پیشرفت به سوی فرمهای جدید را ترجیح می‌دهد. او معتقد است که این با متون مقدس راجع به نسبت خدا و جهان و همچنین با اختر،

فیزیک، زمین‌شناسی و زیست‌شناسی تکاملی معاصر هماهنگ است.

پژوهشهایی در زیست‌شناسی

در پژوهش در مورد علم زیست‌شناسی و آنچه که درباره طبیعت انسان می‌گوید (باربور) در تئوری تکامل بر مراتب موجودات تاکید دارد، چرا که ما را از نسبت نزدیک بین انسانها و دیگر حیوانات آگاه ساخته است، ولی باربور چنین مطرح می‌کند که انسانها خصوصیات بی نظیر، خلاقیت، حس تشخیص اخلاقیات و زبان را دارند. برای شرح اینها به متافیزیک سطحها و متافیزیک ظهور تکاملی متوسل می‌شود. واقعیت، در سطوح گوناگون سازمان داده شده است که هر کدام خصیصه نوع فعالیتش را نمایش می‌دهد. خصائص بی‌همتای انسان تعدادی از این صفات نوظهورند. بدینسان فعالیت‌های ذهنی - روانی بالاترین سطح صفات نوظهور مغز هستند (نماینده خدا). آنها اجتماعی، دچار هبوط و مخلوقاتی موحد هستند (برعکس دوگانه انگاری ذهن - جسم).

توصیف کتاب مورد بررسی

دانشمندان، متکلمین، فیلسوفان و تحصیل‌کنندگان علاقه‌مند به موضوعات علم و دین بایستی این جلد (و همراهش جلد بعدی وقتی که منتشر شد) را در کتابخانه‌هایشان داشته باشند. کتاب مذکور رؤس مطالب عالی را از هر حوزه ارائه می‌دهد، دائرةالمعارفی که موضوعات و نویسندگان آن را در خود جای داده است و در واقع مجموعه‌ای از آنهاست. باربور یک مطالعه وسیع قابل توجه با مهارت خیره‌کننده در ترسیمش از موضوعات و کلیه وجوه تاریخی و معاصر موضوعات را نشان می‌دهد؛ او بیشتر اینگونه عمل می‌کند. او یک رشته دلایل که به واسطه بررسی‌اش از مواضع به دست آورده را به تمام جهات موضعگیری شخص تعمیم می‌دهد، لکن من کتاب مذکور را به عنوان یک کتاب درسی نمی‌توانم توصیه کنم؛ زیرا بی‌اندازه از مطالب چکیده برخوردار است و موضعگیری‌های بسیار زیادی که متوالیاً در کتاب می‌آید وجود دارد. در بسیاری از اماکن علمی کتاب مذکور بیشتر مانند یک کتاب مرجع جا افتاده است تا یک کتاب تک‌نگاری.

نتیجه

در آکادمی معاصر، این یک کتاب نادر است که در بنا کردن یک تصویر مرتبط از علم و دین با استفاده از پروسه متافیزیکی کوشش می‌کند و در این میان موفق شده است. مرکز ثقل این پژوهش و تلفیق کلی این عقیده کامل و رشد کرده باربور است؛ مسیحی باهوش باید جهانبینی مرتب‌بنی بنا کند و تحت آن زندگی کند جهانی که در آن علم و دین هماهنگ و همخوان هستند.

۱۸۵

پژوهش‌های
زیست‌شناسی



برگزیده‌ای از تفسیر

سوره مبارکه قدر*



قوله تعالى: لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ يَفْعَلُ الْعَالِيَةُ أَيَسْأَلُهَا رَحْمَةً أَمْ لَا
نست:

مطلوب الیہ کیا ہے؟ یہاں آفاقیہ بقتل قابلین سے تقدیر خود
دہنا ہے۔ ما لیلۃ القدر کما یقولون لیلۃ القدر قسوا علیہا لیلۃ القدر یہ
بعض اہل تشیعہ نے کہا کہ لیلۃ القدر یہاں ہے۔ یہاں ہے۔ ما یقولون والحمد للہ
علیہم اذ لم یجعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
تعالیٰ اللہ سبحانہ قدس سرہ لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
جو روایح میں اسطہ لیلۃ القدر ہے۔ ما لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
تسبیح لیلۃ القدر ہے۔ انتہا مور عتور لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
فر عتور لیلۃ القدر ہے۔ ما لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
خداوند ہمارے اللہ ہمارے سائل ہے۔ لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
مسئلہ الحدیث و نفو بض استکانتہ مطلبہ ما از شعبان است.
باید کہ تو لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
تکلم لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
لن یحصر یطی بانفوسنا یوتقلا لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
صوفیہا لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
ہو یوتجو تھو و لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
البدن لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
اس لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر
لن یحصر یطی بانفوسنا یوتقلا لیلۃ القدر لیلۃ القدر بل جعلوا لیلۃ القدر لیلۃ القدر